

سمیدی، فیروزه

کمیته‌گاه خورشید / اثر ف. سمیدی، - تهران: علم، ۱۳۸۲.
۵۶۸ ص.

ISBN 964 - 405 - 606 - x

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱- داستانهای فارسی - قرن ۱۴. الف، عنوان.

۸۶۳ / ۶۲

ک ۸۶۲ ع / PIR ۸۰۹۸

۱۳۸۴

۸۴-۴۲۱۴۵ م

کتابخانه ملی ایران

کمینگاه خورشید

ف. سعیدی

تهران - ۱۳۸۶



نشر

نشر علم

خیابان انقلاب

بین فخرآزی و دانشگاه

شماره ۱۳۵۸ تلفن: ۶۶۴۶۵۹۷۰

کمیته‌گاه خورشید

■ نویسنده: ف. سعیدی

■ حروفچینی: نارون

■ صفحه‌آرایی: زینت سالاری پور

■ چاپ اول، تهران - ۱۳۸۶

■ تیراژ: ۲۲۰۰ نسخه

■ لیتوگرافی: باختر

■ چاپخانه: چاوشران نقش

■ ISBN 964 - 405 - 606 - X

■ حق چاپ محفوظ است.

فهرست مطالب

فصل اول: «آشنایی»	۹
فصل دوم: «کیف چرمی»	۳۳
فصل سوم: «افشاء»	۴۵
فصل چهارم: «نفاق»	۶۳
فصل پنجم: «مادر فراری»	۱۰۱
فصل ششم: «بله بران شاهانه»	۱۱۵
فصل هفتم: «اولین شهید»	۱۲۱
فصل هشتم: «سوسیالیزم فداکار»	۱۳۷
فصل نهم: «عشق و خشم»	۱۴۷
فصل دهم: «مردی از اعماق تاریخ»	۱۶۹
فصل یازدهم: «اولین ملاقات»	۱۸۳
فصل دوازدهم: «شب وداع تهران»	۱۹۵
فصل سیزدهم: «قوی سفید»	۲۰۵
فصل چهاردهم: «میدان ژاله»	۲۱۵
فصل پانزدهم: «پدر»	۲۲۳
فصل شانزدهم: «فرار از واقعیت»	۲۲۹
فصل هفدهم: «آقای حیدریور»	۲۳۵
فصل هجدهم: «انتقام الهی»	۲۳۹
فصل نوزدهم: «غروب نابهنگام»	۲۴۵
مقدمه فصل بیست: «سنندج»	۲۵۱

فصل بیست و یکم: «رستاخیزی در خاندان شاهزاده».	۲۷۱
فصل بیست و دوم: «اسفندیار».	۲۸۷
فصل بیست و سوم: «ماجرای تلفن».	۲۹۷
فصل بیست و چهارم: «گنجینه اسرار».	۳۱۷
فصل بیست و پنجم: «کمین گاه خورشید».	۳۲۹
فصل بیست و ششم: «اشک مریم».	۳۵۱
فصل بیست و هفتم: «رازهای ستاره».	۳۶۱
فصل بیست و هشتم: «گلاره».	۳۸۳
فصل بیست و نهم: «رازهای زیرزمین».	۳۸۹
فصل سی ام: «جشن عروسی».	۴۰۳
فصل سی و یکم: «عشق و مرگ».	۴۲۱
فصل سی و دوم: «تهران».	۴۲۹
فصل سی و سوم: «سایه های عشق».	۴۳۹
فصل سی و چهارم: «تعقیب و گریز».	۴۶۳
فصل سی و پنجم: «راهی به سوی نجات».	۴۷۷
فصل سی و ششم: «درد و رنج های یک ملت».	۴۹۵
فصل سی و هفتم: «زندگی و دیگر هیچ».	۴۹۹
فصل سی و هشتم: «برف و آتش».	۵۲۱
فصل سی و نهم: «در راه سلامتی».	۵۲۹
فصل چهلم: «تلخی حقیقت».	۵۳۵
فصل چهل و یکم: «شور زندگی».	۵۴۱
فصل چهل و دوم: «شور اسفندیار».	۵۵۳
فصل چهل و سوم: «فریاد سکوت».	۵۷۹
فصل چهل و چهارم: «با من بمان».	۵۸۷

مقدمه

در نظر بازی ما بیخبران
من چنینم که نمودم دگر ایشان دانند
عاقلان نقطهٔ پرگار وجودند ولی
عشق داند که در این دایره سرگردانند
حافظ

کلیهٔ رویدادها و صحنه‌ها و آدم‌های این رمان ساخته و پرداخته خیال است البته تخیلاتی که به دور از حقیقت نمی‌باشند و شاید اتفاقات و حوادث و سرگذشت قهرمان این داستان برای عدهٔ معدودی از افراد این مملکت اتفاق افتاده باشد، پس هر گونه تشابه، یا امکان تشابه رویدادها صحنه‌ها و شخصیت‌های واقعی در این رمان کاملاً تصادفی است و اشاره به اقوال خاصه که در این رمان آمده به دور از هر گونه تعصبات قومی قبیله‌ای است.

حوادث طی تحقیقاتی جمع‌آوری شده و در طول داستان در بعضی از قسمت‌ها طبق سلیقه شخصی نویسنده تغییرات کوچکی یافته‌اند که شخصاً و قلباً از هم‌وطنان محترم کرد پوزش می‌طلبم... لازم به تذکر است که نویسنده پیش‌بینی بابت هر گونه کاستی تغییرات کوچک بر حسب اقتضای پیشرفت و اقبال از هم‌وطنان کرد عذرخواهی می‌نماید.

ف - سعیدی

پانیز ۷۶ - اهولز